

روان‌شناسی ایران

در سه اپیزود

دکتر حسین کاویانی



مهر کاویان

سرشناسه	: کاویانی، حسین، ۱۳۳۸ - مترجم
عنوان و نام پدیدآور	: روانشناسی ایران در سه اپیزود / حسین کاویانی.
مشخصات نشر	: تهران: مهر کاویان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: 4-16-2765-964-978
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: روان‌شناسی -- لطیفه، هجو و طنز
موضوع	: تحقیق -- ایران -- لطیفه، هجو و طنز
موضوع	: دانشمندان -- ایران -- لطیفه، هجو و طنز
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ک ۲ ر ۹ / ۱۴۹ / ۸ BP
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۰/۸۲
شماره کتابخانه ملی	: ۲۴۳۵۸۹۰



روانشناسی ایران در سه اپیزود

نویسنده: دکتر حسین کاویانی

ناشر: مهر کاویان

طرح جلد: امیرعباس شیرازی

صفحه‌آرایی: فرزاد پروین ضمیر

نوبت چاپ: اوّل - ۱۳۹۱

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۴-۱۶-۲۷۶۵-۹۶۴-۹۷۸

«فهرست مطالب»

حرف حساب	۱
روان‌شناسی در سه اپرود	۵
اندر فضایل اخلاقی دانشمند ایرانی	۲۵
قصه تحقیق در ممالک محروسه ایران	۴۹

حرف حساب

"روان‌شناسی ایران در سه اپیزود"، سه گفتار دارد. یکی به همین نام و دو دیگری به نام‌های "اندر فضائل اخلاقی دانشمند ایرانی" و "قصه تحقیق در ممالک محروسه ایران". هر سه به زبان طنزند. بیشتر درد دل است و آمیخته با تجربه‌های شخصی که سر واکرده و شکل طنز به خود گرفته است. گاه نمی‌شود بعضی حرف‌ها را خیلی جدی گفت. به هزار و یک علت. یکی‌اش آن‌که به تریشه قبای بسیاری برمی‌خورد. گارد می‌گیرند. در گوش‌های‌شان را می‌گیرند. و این یعنی "نقض غرض". می‌نویسی که پیامت را برسانی، که اثر بگذاری. و گرنه مهتاب متر کرده‌ای؛ خشت بر آب نهاده‌ای؛ و گره بر باد بسته‌ای.

اما وقتی همان حرف‌ها میان شوخی و جدی، خنده و احم، نرم و تند زده شود، انگار اتفاق دیگری می‌افتد. گاردها کمی کنار زده می‌شود و تو می‌توانی خال‌های سیاه خودت را در آینه ببینی. و این امکان فراهم می‌آید که احساس و اندیشه‌ات با تعصب و پیشداوری کمتری دست به دست هم دهند تا مسیر تغییر هموار شود. اگر بخواهم از زبان هم‌قطاران دانشمند خود بگویم، احتمالاً طنز به علت اثرات چندگانه، بخش‌های بیشتری از ماده حاکمتری مخ ما را به کار می‌گیرند. بخش‌هایی که به عملکرد اندیشه، احساس، هیجان، توجه، تصمیم‌گیری، قضاوت و دیگر بخش‌ها پیوند دارد. و این همه درگیر ماجرا می‌شوند. یعنی همه اجزائی که برای

تغییر لازمند. شاید همین است که اثر قطعی‌تر، مانا‌تر و ژرف‌تر زبان طنز را در واقع فرموله می‌کند.

از همه این‌ها گذشته، بالاخره باید کسی هم پیدا شود و رای کلاف سردرگم تعارفات پیچ‌درپیچ و لایه به لایه و گاه میان‌تهی، حرف دیگری بزند با لحنی دیگر. و بتلاشد آن روی واقعیت را هم روی دایره بریزد. من به خیال خود چنین کرده‌ام.

نگارنده تافته‌ی جدابافته‌ای از جماعتی که در این مقالات نقد شده اند نیست. دیوار کوتاهی دارم. قبل از آن که یک جبال‌دوز به دیگران بزنم یک سرسوزنی هم به خودم زده‌ام. اصلاً به ذهن‌تان خطور نکند که می‌توانید ما به‌ازای بیرونی برای کسانی پیدا کنید که در این نوشتار نقد شده‌اند. قطعه قطعه‌ی آن‌چه گفته‌ام و ذره ذره‌ی خرده‌ها که گرفته‌ام، از میان سوتی‌هایی بوده‌است که از کسان و البته خودمان در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف سر زده و بعد در قالب "فرد"ی مفروض ریخته شده است. بی‌تعارف بگویم، بسیاری از این‌ها را من در خودم دیده‌ام. شما چی؟ اول به خودمان مراجعه کنیم بعد به دیگران. این‌ها همه در تک‌تک ما هست. فقط عیارش فرق می‌کند. پس بی‌خود دنبال افراد مشابه نگردید و برای من دشمن نتراشید.

رسم جوان‌مردی نیست که این مقدمه را بنویسم و یادی از استاد خود، زنده‌یاد دکتر محمد نقی براهنی نکنم؛ از آن‌که شاید جرقه این‌گونه نوشتن در حیطه روان‌شناسی را در ذهن نگارنده زد. سال‌ها پیش زمانی که در انستیتو روان‌پزشکی تهران دانشجوی وی

بودم، متنی داستانی را از من خوانده بود و به دنبال تیز کردن انگیزه من برای نوشتن موارد و مسائل روان‌شناختی به این سبک بود. می‌گفت یک نوع نگاه است متفاوت از نگاه رسمی و متداول. اما لازم است. لازم است تا فضا را برای جور دیگر دیدن آماده کرد. اصرار او این بود که رساله فوق‌لیسانس خود را نیز با روش‌شناسی کیفی^۱ و زبانی متفاوت بنویسم. آن موقع (سال ۱۳۶۶) دغدغه این بود که تا چه حد روان‌شناسی ایران آماده این نگاه هست که بشود بر سر رساله ریسک کرد. می‌گفت من با تمام وجود پشتیبانی می‌کنم و آن را "جا می‌اندازم". و درست در همین اثنا استاد دچار عارضه قلبی شد و بعد هم مشکلات شخصی خودم دست و پایم را بست. بدین‌سان روزگار یار نبود که چنین کنم. این کشمکش ذهنی در مقدمه رساله‌ام دیده می‌شود. نمی‌دانم اگر دکتر براهنی حالا زنده بود چقدر از این گونه نوشتن پشتیبانی می‌کرد. اما هرچه بود، اگر تشویق و تشجیع او نبود، این نوشته هم بیرون نمی‌آمد.

یک نکته‌ی دیگر هم بگویم و تمام. آن‌ها که بر بلندای طنز نشسته‌اند، بسیار خرده خواهند گرفت بر این نوشتار. من از همین ثانیه دوستانم را به نشانه تسلیم، بالا می‌برم.

حسین کاویانی

^۱ Qualitative